



به یاد بهار، ملک شاعران

دکتر محمد رضا بیگدلی

مرغ سحر،

ناله سر کن

یادداشت سردبیر

ملک شاعران، محمد تقی بهار، بی تردید بزرگ‌ترین قصیده‌سرای فارسی‌زبان چند قرن اخیر ماست. ما دو سه مقاله و معرفی کتاب، در شرح حال، زندگی و آثار ملک‌الشعرا بهار داشتیم، چرا که اردیبهشت‌ماه، سالگشت درگذشت اوست. اما به‌علت کمبود جا نتوانستیم حق بهار را ادا کنیم. لذا تنها بخشی از مقاله‌ی همکاران، دکتر محمد رضا بیگدلی، را تقدیم خوانندگان می‌کنیم. در این جا باید یادى کنم از پرتره‌ای که هنرمند فقید، شادروان محمد قاضی، از ملک‌الشعرا بهار کشیده است و من آن را در خانه‌ی خانم ملک‌دخت بهار، دختر بهار، دیدم و آن خود شاهکاری است که وقتی دیگر از آن سخن خواهیم گفت.

□ «مرغ سحر» از مشهورترین و مستحکم‌ترین ساخته‌های ملک‌الشعرا بهار است. به روایت مهدی اخوان ثالث (به نقل از شادروان روح‌الله خالقی)، آهنگ این تصنیف را مرتضی‌نی‌داود ساخته است و نخستین بار زنده‌یاد قمرالملوک وزیری آن را خوانده است.

ترانه‌ی حماسی «مرغ سحر» با وجودی که بیش از حدود نیم‌قرن از ساختن آن می‌گذرد، همواره تازگی و شور و حال و استحکام خود را حفظ کرده است. علاوه بر قمر در دهه‌های اخیر، چندین خواننده با اجراهای مختلف آن را خوانده‌اند.

بند اول

مرغ سحر، ناله سر کن
داغ مرا تازه‌تر کن
ز آه شرربار،
این قفس را
برشکن و زیر و زبر کن
بلبل پر بسته ز کنج قفس درآ
نغمه‌ی آزادی نوع بشر سُرَا
وز نفسی عرصه‌ی این خاک توده را
پُر شرر کن
ظلم ظالم
جور صیاد
آشیانم، داده بر باد
ای خدا، ای فلک، ای طبیعت
شام تاریک ما را سحر کن.
نوبهار است، گل به‌بار است
ابر چشمم، ژاله‌بار است
این قفس چون دلم تنگ و تار است
شعله فکن در قفس ای آه آتشین
دست طبیعت، گل عمر مرا مچین
جانب عاشق، نگه، ای تازه گل، ازین
بیش‌تر کن.
مرغ بی‌دل، شرح هجران
مختصر، مختصر، مختصر کن

بند دوم

عمر حقیقت به سر شد
عهد و وفا پی سپر شد
نالهی عاشق،
ناز معشوق،
هر دو دروغ و بی‌اثر شد
راستی و مهر و محبت فسانه شد
قول و شرافت همگی از میانه شد
از پی دزدی، وطن و دین بهانه شد
دیده تر شد.
ظلم مالک
جور ارباب
زارع از غم، گشته بی‌تاب
ساغر اغنیا پر می ناب
جام ما پُر ز خون جگر شد
ای دل تنگ، ناله سر کن
از قوی‌دستان، حذر کن
از مساوات صرف نظر کن
ساقی گل‌چهره، بده آب آتشین
پرده دلکش بزن ای یار دل‌نشین
ناله برآر از قفس، ای بلبل حزین
کز غم تو،
سینه‌ی من پُر شرر شد
کز غم تو سینه‌ی من
پُر شرر، پُر شرر، پُر شرر شد ■